

«بسم الله الرحمن الرحيم»

عنوان

آثار صدق در نهج البلاغه

زینب موسوی^۱
تابستان ۱۴۰۳

چکیده

یکی از صفات والای اخلاقی که در آموزه‌های علوی به ویژه نهج البلاغه مورد توجه قرار گرفته، صدق و راستی است. ترغیب انسان به راستگویی و در مقابل آن تاثیر وی از کذب و دروغگویی در مواضع بسیاری از نهج البلاغه به موازات هم قابل مشاهده است. به موجب این آموزه‌ها صدق اقسام و مراتبی دارد. از جهتی می‌توان مراتب صدق در نیت، گفتار، کردار را در نظر گرفت و از سوی دیگر صدق در حوزه‌های فردی و اجتماعی قابل تقسیم است و صدق اجتماعی خود محورهای چندی را به خود اختصاص می‌دهد. صدق و راستی، آثار و دستاوردهای مهمی از جهت زندگانی دنیا و آخرت دارد که در صدر آنها می‌توان از جلب نظر الهی به انسان نجات او از مهالک، نیل به موفقیت، به سامان یافتن امور، تحکیم مبانی ایمان، تقویت دیگر صفات اخلاقی از جمله صبر، تسلیم در برابر خداوند، افزایش بصیرت و تقوا و نهایتاً دستیابی به پیروزی در دنیا و فاز و فلاح در عالم آخرت اشاره کرد.

کلید واژه‌ها: صدق، امام علی علیه السلام، نهج البلاغه.

^۱ مدرسه علمیه فاطمه الزهراء (سلام الله علیها)، طلبه سطح دو

مقدمه

آنچه انسان در حیات معرفتی و اخلاقی اجتماعی به آن نیاز دارد در نهج البلاغه جمع شده و انسان را مستغنی می‌کند. در واقع نهج البلاغه پس از قرآن پرجاذبه‌ترین کتاب در اسلام است و مانند قرآن در عین زیبایی، فصاحت و بلاغت، باطنی ژرف دارد. هدف از انجام این پژوهش، بررسی آثار صدق در نهج البلاغه می‌باشد. صدق از شاخصه‌های کمال انسانی است و دین و دینداری بدون صداقت و راستی، فاقد ارزش و اعتبار است. امام علی علیه السلام خود برترین نمونه تربیت نبوی، به عنوان مصداق کامل صدق در تمام شئون زندگی، مردم را به رعایت صدق در همه مراتب دعوت می‌کرد. در این نوشتار تلاش شده که به پرسش ذیل پاسخ داده شود: اهمیت صدق در زندگی و چه آثاری می‌تواند داشته باشد؟ که باروش کتابخانه‌ای و فیش نویسی جمع‌آوری شده است.

۱- مفهوم شناسی صدق

"صدق" در لغت به معنی راستگویی و در مقابل کذب و دروغگویی است. علمای لغت در معنای صدق معمولاً به بیان: «الصدق نقیض کذب» بسنده کرده‌اند.^۱

صدق در اصطلاح، معانی متفاوتی بیان شده است، صدق در اصل به معنی استحکام و صلابت و قوت شی یا به دور از خلاف و مبتنی بر حق بودن است.^۲ راغب در معنای صدق دو چیز را شرط می‌داند: مطابقت سخن با درون و مطابقت آن با واقعیت. جرجانی، مطابقت حکم با واقع را به عنوان تعریف اصلی و مورد قبول واژه صدق بیان داشته است.^۳

واژه صدق و مشتقات آن یکی از واژگانی است، که در ادبیات فارسی قرآن، متون دینی و در علوم مختلف اسلامی فراوان به کار رفته است، می‌توان گفت

۱. ابن منظور، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۹۳

۲. کرمانشاهی، ج ۲۹، ص ۵۱۸ تا ۵۲۲

۳. عابدی و پسندیده، بررسی و تحلیل روایات مکارم الاخلاق، ص ۱۵۴

واژه پربسامد و پرکاربرد است، گفته می‌شود صدق اصطلاحی منطقی، فلسفی، عرفانی است. درستی و راستی و مطابقت واقع و مقابل با کذب است و از نظر اخلاقی فضیلتی راسخ در نفس آدمی است که اقتضای توافق ظاهر و باطل و موافقت سر و عنایت او را داشته باشد، به این معنا که اقوالش موافق نیات باشد و افعال او مطابق احوال همانطور که می‌نماید باشد.^۱

۲- مفهوم شناسی امام علی علیه السلام

علی بن ابیطالب علیه السلام مشهور به امام علی و امیرالمومنین امام اول همه مذاهب شیعه، صحابی، راوی، کاتب وحی و چهارمین خلیفه از خلفای راشدین نزد اهل سنت است. وی همچنین پسر عمو و داماد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) همسر حضرت زهرا (سلام الله علیها) پدر و جدیازده امام شیعه است. پدر او ابوطالب و مادرش فاطمه بنت اسد بودند. نخستین مردی بود که به پیامبر اسلام ایمان آورد از نظر شیعه علی علیه السلام به فرمان خدا و تصریح پیامبر جانشین بلافضل رسول خدا است.^۲

علی بن ابیطالب علیه السلام پسر عمو و داماد و وصی و خلیفه رسول اکرم و امام امت اسلامی است. علی کودک خردسالی بود که پیغمبر اکرم او را از پدرش ابوطالب گرفت و به خانه خویش آورد و در دامان خود او را پرورش داد. هیچکس به اندازه علی پیغمبر را از نزدیک نمی‌شناخت و هیچکس هم به اندازه او شیفته پیغمبر نبود و به آن حضرت ایمان و اعتقاد محکم نداشت. علی مرد شماره دو اسلام است اخلاص و فداکاری و مجاهدت‌های او در راه اسلام شهره آفاق و زبانزد خاص و عام است و عالم‌ترین و زاهدترین و با تقواترین و شجاع‌ترین مردم بعد از پیغمبر اکرم بود. او زهد و شجاعت و علم و عمل را توأم داشت وجودی بود جامع الاطراف و شخصیت او نمونه کامل تعلیمات عالیه اسلام است.^۳

۱. سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ص ۱۱۰۱

۲. سایت wikishia.net

۳. مطهری، پنج مقاله، ص ۳۲

۳- مفهوم شناسی نهج البلاغه

کتابی که در آن تعدادی از خطبه‌ها نامه‌ها و جملات کوتاه امام علی علیه السلام به کوشش سید رضی گردآوری شده است. نهج البلاغه را دایره المعارفی از فرهنگ اسلامی، وازمهم ترین منابع برای شناخت اسلام و ارزش های دینی دانسته‌اند. نهج البلاغه فصاحت و بلاغت بالایی دارد و همین امر علت جاذبه و ماندگاری این کتاب شده است.^۱

اهمیت صدق و راستی

صدق و راستگویی از صفات والای اخلاقی است که در آموزه‌های دینی اعم از قرآن و روایات تاکید زیادی برآن شده است. از نظر قرآن وعده‌های خداوند حق و سخن او راستگوترین قول است.^۲ راستگویان و راست کرداران همنشین با پیامبران، شهیدان و صالحان بوده مشمول برخورداری از نعمت الهی گشته اند. در آموزه‌های متعدد بر اهمیت صدق و راستی تاکید فرموده و متقابلاً نسبت به آثار و عوارض کذب و دروغگویی هشدار داده است. در این آموزه‌ها علاوه بر آنکه صدق و راستی عامل نجات و کرامت انسان و نیز تقویت ایمان او قلمداد شده و بر نقش صدق و راستی در تقویت سایر کمالات نیز تاکید شده است.^۴

در حقیقت صدق و راستی ثرترین ابزار جلب اعتماد است، و دروغ خطرناک ترین دشمن آن می‌باشد، و در این میان تفاوتی بین فعالیت‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی نیست. یک سیاستمدار پرنفوذ اگر یک یا چند بار به مردم دروغ بگوید به سرعت نفوذ خود را از دست می‌دهد. اگر تحقیقات یک دانشمند آلوده به دروغ شود، اعتماد تمام محافل علمی از ابتکارات و تحقیقات او سلب می‌شود، و دیگر به گفته‌های او اعتمادی نیست. یک موسسه اقتصادی اگر فقط در معرفی یک نوع از کالاهایش دروغ بگوید مردم نسبت به

۱. سایت wikishia.net

۲. النساء، ۱۲۲

۳. همان، ۶۹

۴. آمدی تمیمی، غررالحکم و درر الکلم، ص ۱۷۴ و ۱۷۵

تمام فرآورده‌های او بدبین می‌شوند، و به سرعت مشتریان خود را از دست می‌دهد. اگر مدیری در مدیریت‌ها، در گفتار و رفتار خود صادق نباشد، نظام و انضباط مدیریت او از هم متلاشی می‌شود. از آن چه گفته شد آشکار می‌شود که پایه و اساس هرگونه پیشرفت معنوی و مادی در اجتماع، اعتماد متقابلی است که برخاسته از صدق و راستی است. امیر مومنان علی (علیه السلام) در روایتی می‌فرماید: «الصدق صلاح کل شیء الکذب فساد کل شیء» راستگویی سبب اصلاح هر چیز و دروغ سبب فساد همه چیز می‌شود.^۱ آن حضرت در حدیث دیگری می‌فرمایند: «الکذاب والمیت سواء فان فضیله الحی علی المیت الثقه به، فاذا لم یوثق بکلامه فقد بطلت حیاته»؛ «دروغگو و مرده یکسانند زیرا برتری انسان زنده بر مرده همان اعتماد به او است هنگامی که به گفتار او اعتمادی نباشد زنده بودن او بی‌اثر است».^۲

دیگر اینکه صداقت و راستی به انسان آبرو و شخصیت می‌دهد، در حالی که دروغ مایه رسوایی و بی‌آبرویی است. صادقان همیشه سربلند و آبرومندند، در حالی که دروغگویان همواره سرافکننده و بی‌آبرو هستند. از این رو امیرالمومنان علی (علیه السلام) در حدیثی می‌فرماید: «علیک بالصدق، فمن صدق فی اقواله جل قدره»؛ «همیشه راستگویی را پیشه کن چرا که آن کس که در سخنان او راستگو باشد، قدر و مقام او در جامعه بالا می‌رود».^۳ از سوی دیگر، صدق، و راستی و امانت به انسان شجاعت و شهامت می‌بخشد، در حالی که دروغ و خیانت، همیشه انسان را در هاله‌ای از خوف و ترس فرو می‌برد، مبادا خلاف گویی و خیانت او آشکار شود و تمام نقشه‌های او نقش بر آب شود. از سویی، راستگویی انسان را از بسیار از گناهان نجات می‌دهد، چرا که می‌داند اگر خلافی کند و از او سوال کنند، نمی‌تواند به گناه خود اعتراف نماید، پس بهتر است که گرد گناه نگردد. از سوی دیگر صداقت و راستی بسیاری از مشکلات جامعه را حل می‌کند، راه وصول به مقصد را آسان ساخته و از هزینه‌های

۱. همان، ص ۵۹.

۲. تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم ودررالحکم، ص ۲۲۰.

۳. تمیمی آمدی، غررالحکم ودررالحکم، ص ۴۴۶.

در معارف دینی، تقوا، مهم ترین عامل حفظ ایمان است؛ پس در آیات متعدد قرآن، خداوند مؤمنان را به رعایت تقوا دعوت فرموده و مکرر گفته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ» قرآن کریم، آیات گوناگون در آموزه های علوی صدق و راستی عامل حیات تقوا اعلام شده است. آن هم تقوایی که به نوبه خود حفظ کننده ایمان خواهد بود.

۶- صدق و سامان یافتن امور

یکی از آموزه های علوی در بیان فواید صدق چنین است که: «الْصِّدْقُ صَالِحٌ كُلُّ شَيْءٍ»^۱. به همان نسبت که صدق در سامان یافتن امور مؤثر است، دروغ گویی مایه فساد و تباهی کارها می گردد.^۲

۷- صدق و تکامل صفات والای انسانی

صدق و راستی، عامل تکامل صفات انسانی است. در این خصوص علی (علیه السلام) می فرماید: «بالصدق تکمل المروه»^۳.

و نیز: «الصدق کمال النبیل»^۴. در این حکمت ها، رابطه صدق و صفاتی چون بزرگواری و جوانمردی قابل درک است. در حکمت دیگر، صدق و مروت به تناسب هم قلمداد شده اند؛^۵ چنان که ملازمت صدق و وفا از موارد دیگر ارتباط صدق با یک صفت ولای انسانی است که در نهج البلاغه به آن اشارت رفته است؛ آنجا که می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الْوَفَا تُوَامِ الصِّدْقَ وَ أَلْ أَعْلَمُ جُنْهُ أَوْقَى مِنْهُ»^۶.

۸- صدق و ظهور حقیقت

۱. همان، ۱۷۵.

۲. همان، ص ۲۹.

۳. همان، ص ۹۹.

۴. همان 171 :

۵. همان، ۱۷۴.

۶. سید رضی، خطبه 30

رواج صدق، تعبیری از ظهور حقیقت است آن هم به صورت آشکار و صریح؛ پس در آموزه های علوی در این جهت تأکید شده که: «الْصِّدْقُ لِسَانُ الْحَقِّ» یا «الْصِّدْقُ حَقٌّ صَادِقٌ».^۱

۹- صدق و امنیت از دوزخ

نیت راست و باطن پاک، عامل رهایی انسان از عذاب دوزخ است؛ خصوصاً آن گاه که راستی با وفای به عهد همراه شود؛ چنان که حضرت می فرماید: «إِنَّ الْوَفَا تُوَامُ الصِّدْقَ وَالْأَعْلَمُ جَنَّةٌ أَوْ قِيَمَنُهُ»؛ یعنی: وفا قرین راستی است و من سپری نگهدارنده تر از وفای به عهد (برای جلوگیری از عذاب الهی) سراغ ندارم. طبق سخن دیگر اطاعت از رهبر صادق ضامن عاقبت به خیری اعالم شده؛ آنجا که تصریح می کند: «فَإِنْ أَطَعْتُمُونِي فَإِنِّي حَامِلُكُمْ إِنْ شَاءَ أَهْلُ عَلِيٍّ سَبِيلَ الْجَنَّةِ».^۳

آثار اجتماعی صدق

بخش دیگر از آثار صدق به آثار آن مربوط می شود و این در وقتی است که افراد جامعه در مسیر راستی و حقیقت گام زنند. در این خصوص نیز آثار مختلفی قابل ملاحظه است که اهم آن به قرار زیر است:

۱- صدق و جلب نظر الهی

خداوند متعال به عنوان وعده ای قطعی می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنَصَّرُوا أَهْلَ يَنْصُرُكُمْ وَ»^۲ و نیز: «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^۴؛ اما یاری کردن خداوند توسط مؤمنان، تحقق صدق ادعای آنان در حمایت از دین خداست که در مواضعی از نهج البلاغه به آن اشاره شده است؛ از جمله، علی (علیه السلام)

۱. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ۱۷۴ و ۱۷۵

۲. سید رضی، خطبه ۳۰

۳. همان: خطبه ۱۵۵

۴. محمد، آیه ۴

۵. حج، آیه ۳۱

در نوبتی خطاب به عمر- که از فراوانی ایرانی ها و کم بودن تعداد مسلمانان هراسان شده بود -فرمود: «اما آنچه درباره عدد آنها (سپاه مقابل) ذکر کردی، ما در گذشته در مقابل دشمنان با توجه به زیادی آنان جنگ نمی کردیم؛ بلکه ما بر پایه یاری و حمایت دین الهی می جنگیدیم! و نظر خداوند نیز بر پیروزی ما تعلق می گرفت.

۲- حصول پیروزی بر دشمن

در گزارش دیگر، علی (علیه السلام) به سابقه جهاد در رکاب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اشاره می کند به این صورت که: «ما در رکاب رسول خدا» با پدران، فرزندان، برادران و عموهای خود (که کافر بودند) پیکار می کردیم و این حوادث به تقویت ایمان و تسلیم ما می افزود.. آن گاه که خداوند ما را در فداکاری صادق دید، دشمن ما را ذلیل ساخت و ما را پیروز می گردانید.^۲

۳- نفی شبهات با قطع زبان مخالفان

وجود شبهات در جامعه از آثار به هم آمیختن حق و باطل است که خود جلوه ای از تداخل صدق و کذب است. در شرایطی که امثال معاویه و عمروعاص و حتی صحابه های با سابقه ای مانند طلحه و زبیر حقیقت را بر بسیاری مشتبه ساخته بودند، علی (علیه السلام) به روشنگری پرداخته و به شناخت مالک های حق از باطل توجه داد؛ از جمله فرمود: «وَلَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَيْسَ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ السِّنُّ الْمُعَانِدِينَ وَلَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِعْثٌ وَمِنْ هَذَا ضِعْثٌ فَيُمَزِّجَانِ فَهَذَا لَكَ يَسْتَوْلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ»^۳ یعنی: و اگر حق از لباس باطل بیرون می آمد (و خالص می شد) زبان دشمنان کوتاه می گردید؛ اما مقداری از حق و مقداری از باطل گرفته می شود و با هم مخلوط می گردد در چنین شرایطی شیطان بر دوستان خود تسلط پیدا می کند.

۴- تقویت آزادمنشی مردم

۱. همان، خطبه ۵۵

۲. همان، خطبه ۵۵

۳. همان: خطبه ۱۵

صدق اجتماعی از صدق مسئولان و حاکمان و نیز متولیان امور ناشی می شود و نتیجه آن به آزادگی، عدم تملق و چاپلوسی مردم باز می گردد، پیرو این نکته علی (علیه السلام) تأکید می کند که: «وليصدق رائد اهله و ليجمع شمله»؛ یعنی: باید دیده بان (رهبر) به مردم خود راست بگوید و پراکندگی خویش را جمع کند و در جای دیگر بر راستگویی خود تصریح فرموده: اما این که حاکم به دستور العمل های اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و ... پای بند بوده و با راستگویی با مردم رو به رو شود، اثر روانی مستقیم بر تحقق صدق اجتماعی دارد، به فرموده ی امام علی (علیه السلام) پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در اثر نبودن چنین روحیه ای از حاکمان، مردم نیز متلون و بوقلمون صفت شدند؛ اما در دوران زمامداری علی (علیه السلام) آن حضرت به جبران پرداخته و از خود به عنوان پیشتاز در عمل به فرامین و خودداری کننده از نواهی نام برد که بلکه رهاورد آن، آزادمنشی برای جامعه باشد.^۴

نتیجه گیری:

صدق و راستگویی کلید تقویت صفات اخلاقی است و در مقابل، دروغگویی ریشه هر بدی را تشکیل می دهد؛ صدق در کردار می تواند معرف دیگر مراتب صدق باشد؛ در هر جامعه وجود الگوهای صادق و کاذب عینیت صدق و کذب و میزان رواج این دو صفت را نشان خواهد داد؛ صدق و راستی آثار فراوانی در دو ساحت فردی و اجتماعی به بار آورده و رواج آن ضامن سلامت روحی و روانی فرد و جامعه خواهد بود؛ در نهج البلاغه نکوهش کذب و کاذبان بیان غیرمستقیمی در تأکید بر ارزش صدق و تجلیل از الگوهای صادق است.

۱. همان، خطبه ۱۰۸

۲. همان: خطبه ۱۶

۳. همان: خطبه ۳

۴. همان، خطبه ۱۷۵

فهرست منابع:

✽قرآن

- ۱-آمدی تمیمی، عبدالواحد، غررالْحکم ودررالکلم، بیروت، موسسه الاعلمی مطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۲۲ه.ق
- ۲-آمدی تمیمی، عبدالواحد، تصنیف غررالْحکم ودررالکلم، قم، دفترتبلیغات، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
- ۳-ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت، موسسه تاریخ العربی
- ۴-دلشادتهرانی، مصطفی، رخساره خورشید، سیره امام علی ع درنهج البلاغه، تهران، انتشارات دریا، چاپ دوم ۱۳۹۴.
- ۵-سایت wikishia.net
- ۶-سجادی، سیدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، تهران، نشرشرکت مولفان مترجمان ایران، ۱۳۶۲
- ۷-سیدرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه به تصحیح صبحی صالح، قم دارالاسوه، ۱۴۱۵ ه.ق
- ۸-طوسی، محمدبن حسن، الآمالی، قم دارالثقافه، چاپ اول ۱۴۱۴ه.ق
- ۹-عبدی حمزه، پسندیده عباس، بررسی وتحلیل روایات مکارم الاخلاق، قم، انتشارات دارالحديث، چاپ اول ۱۳۹۴
- ۱۰-کرمانشاهی، احسان، صدق وکذب، همایش دانشنامه جهان اسلام.
- ۱۱-مطهری، استادمرتضی، پنج مقاله، قم، نشرصدرا، ۱۳۹۶